

الأربعون النسائية

(٤٠) حديث در احكام بانوان

تأليف:

محمد بن شاكر الشريف

ترجمه:

إسحاق بن عبد الله دبيري العوضي

١٤٢٤/١٣٨٢هـ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

الحمد لله الذي خلق الزوجين الذكر والأنثى والصلاة والسلام على القائل:
خيركم خيركم لأهله وأنا خيركم لأهلي وعلى آله وصحبه أجمعين وبعد:

زن در اسلام نقش مهمی را ایفاء می‌کند، بعضی از امتهای قبل هیچ حقی را برای زن قائل نبودند، و حق او را از او سلب می‌کردند، ولی اسلام تمامی حقوق مشروع را به زن بازگرداند.

زن نصف جامعه اسلام و بشریت را داراست، او مادر، خواهر، دختر، ووو می‌باشد.

در قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ هر خطابی که بر مرد می‌شود، زن نیز شامل آن است، و هیچ فرقی بین زن و مرد در شریعت اسلام وجود ندارد، تنها فرقی که بین زن و مرد است در میراث می‌باشد، آنها بسبب اینکه مرد مسؤولیت کامل کانون خانواده را به عهده دارد، و اوست که باید نفقه و هزینه تمامی افراد خانواده را تهیه نماید، گرچه زن او تاجر هم باشد، نفقه زن بر عهده مرد است.

ولی با اینحال خواستیم با ترجمه کردن این احادیث که ویژه خواهران می‌باشد، خدمتی به آنها کرده باشیم و بدانند که به فراموشی سپرده نشده‌اند.

امید است خداوند این عمل را خالص برای رضایت خود بگرداند، و از خوانندگان محترم التماس دعا داریم.

إسحاق بن عبد الله دبیری**رياض ذي حجه ١٤٢٣هـ. ق اسفند ١٣٨١هـ. ش**

مقدمه مؤلف

این مجموعه احادیث نبوی که متعلق به احکام شریعت است ویژه زنان می‌باشد، آنرا جمع کرده و ترتیب دادم و امیدوارم نفع آن به همگان برسد، کوشیدم که فقط چهل حدیث باشد آنهم بخاطر آسان بودن حفظ آن، و تأسی به علمای سابقین که در فنون مختلف چهل حدیث را جمع آوری می‌کردند، و آنرا ترتیب داده‌ام به روش کتاب و باب و تعداد آن به چهل و سه حدیث رسید، که بر خود لازم دانستم تا تمامی آن از احادیث شیخین (بخاری و مسلم) [متفق علیه] یا یکی از آنها، یا اینکه اهل و علمای حدیث حکم صحت و خوب به آن داده باشند.

به همین تعداد در شرح آن کتابی نوشته‌ام، از خداوند علی‌القدر خواهانم آنرا از من قبول فرماید، و به من پاداش نیک عطا فرماید، و از اشتباهاتم بگذرد و گناهانم را ببخشد، و نیتم را اصلاح نماید، و مرا در گفتار نیک و عمل صالح و دور از فتنه و آشوب بمیراند. آمین.

محمد بن شاکر الشریف

مکه ی مکرمه روز پنج شنبه ۱۴۲۳/۴/۹ هـ.

[باب ماندن زن در خانه اش بهتر از خارج شدن از آن است. حتی اگر هم بسوی مسجد باشد]

۱ - عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «لا تمنعوا نساءکم المساجد، و بیوتهن خیر لهن»^(۱).
 زنان خود را از رفتن به مساجد منع نکنید، ولی خانه هایشان (برای نماز خواندن) بهتر (و ثواب بیشتر) از مساجد دارد.

[باب جایز بودن خروج زنان برای قضای حاجت خود]

۲ - عائشه رضی الله عنها از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «قد أذن أن تخرجن فی حاجتكن»^(۲).
 برای قضای حاجات و برطرف کردن آن به شما اجازه خروج از خانه داده شده است.

[باب اینکه خروج زن از خانه باعث مفسده و فتنه خواهد شد]

۳ - عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «إن المرأة عورة فإذا خرجت استشرفها الشيطان، وأقرب ما تكون من وجه ربها وهي في مقر بيتها»^(۳).
 زن عورت است، و هنگامی که از خانه بیرون می رود شیطان او را زینت و آرایش می دهد، و نزدیکترین جا به خدایش درون خانه اش می باشد.

(۱) أبو داود وابن خزيمة.

(۲) متفق عليه.

(۳) صحيح. الترمذي وابن خزيمة، وابن حبان.

استشرفها الشيطان: او را در چشم های مردان زینت و آرایش می دهد تا به او نگاه کنند، تا آنها را فاسد کند.

[باب اینکه نباید زن از خانه اش بیرون رود مگر به اجازه شوهر. و اگر اجازه نداد درست نیست خارج شود]

۴ - عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می کند که: «كانت امرأة لعمر تشهد صلاة الصبح والعشاء في الجماعة في المسجد، فقيل لها: لم تخرجين وقد تعلمين أن عمر يكره ذلك ويغار؟ قالت: وما يمنعه أن ينهاني؟ قال: يمنعه قول رسول الله ص: لا تمنعوا إماء الله مساجد الله»^(۱).

یکی از زنان عمر رضی الله عنهما نماز صبح و عشاء را در مسجد با جماعت ادا می کرد(در جماعت حضور می یافت)، پس به او گفته شد: چرا از خانه بیرون می روی (و نماز را با جماعت می خوانی) در حالیکه می دانی عمر از این کار خوشش نمی آید! در جواب گفت: چه چیز او را باز می دارد که مرا از این کار نهی کند؟ در جواب به او گفته شد: قول رسول الله ﷺ که می فرماید: کنیزان خدا (زنان) را از رفتن به مساجد منع مکنید.

[باب منع کردن زن از استعمال عطر و بوی خوش هنگام بیرون رفتن او به سوی مسجد و غیر از مسجد]

۵ - أبو موسى أشعري رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت می کند که فرمودند: «إذا استعطرت المرأة فمرت على القوم ليجدوا ريحها فهي كذا وكذا، قال قولاً شديداً، وفي لفظ: فهي زانية»^(۲).

(۱) البخاري.

(۲) حسن صحيح أخرجه أبو داود والترمذي والنسائي.

اگر زن به خود عطر و بوی خوش زد و بر قومی (مردان) عبور کرد تا بوی او را بشنوند، پس او چنین و چنان است، سخنی بسیار شدید و غلیظی، و در لفظ دیگر: پس او زنا کار است.

[باب منع کردن زنان از اظهار و آشکار نمودن زینت و آرایش هنگام بیرون رفتن از خانه]

۶ - فضاله بن عبید رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «ثلاثة لا تسأل عنهم: رجل فارق الجماعة وعصى إمامه فمات عاصياً، وأمة أو عبد أبق من سيده فمات، وامرأة غاب عنها زوجها وقد كفاها مؤونة الدنيا فتبرجت بعده، فلا تسأل عنهم»^(۱).

سه نفر از آنها سؤال و پرسش مکن (که عذابشان شدید و دردناک است): مردی که از جماعت مسلمانان مفارقت کرد، و به امام و فرمانروای خود عصیان نمود، و در همان حالت فوت کرد، یعنی در حالت عصیان خود به امام فوت کرد. و کنیز و برده ای که از ارباب خود فرار کرده فوت می کند، و زنی که شوهرش غایب است در حالیکه از متاع و خوشی دنیا همه چیز برایش فراهم کرده سپس با اینحال تبرج می کند. پس دیگر از اینها سؤال و پرسش مکن که عذابشان دردناک است. تبرج: آشکار کردن زینت و آرایش خود برای مردان.

[باب نهی و منع کردن زنان از سفر بدون محرم]

۷ - عبدالله بن عباس رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «لا تسافر المرأة إلا مع ذي محرم، ولا يدخل عليها رجل إلا ومعها محرم، فقال رجل: يا رسول الله إنني

(۱) صحیح، أخرجه أحمد والبخاري في الأدب المفرد والحاكم.

أرید أن أخرج فی جیش کذا وکذا، وامرأتی ترید الحج، فقال: اخرج معها. [متفق علیه].
زن مسافرت نکند مگر اینکه با محرم خود باشد.

و هیچ مردی بر او داخل نشود، مگر اینکه با او محرم باشد، یکی از صحابه گفت:
ای رسول خدا! من می‌خواهم با جیش و لشکر فلانی برای جنگ بروم، و زخم می‌خواهد
به حج برود، رسول الله ﷺ فرمود: با زن خود به حج برو.

[باب: اینکه بایستی در مسجد دروازه‌های مخصوص و ویژه زنان باشد]

۸ - نافع از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «لو ترکنا
هذا الباب للنساء، قال نافع: فلم یدخل منه ابن عمر حتی مات»^(۱).

اگر این دروازه را فقط برای زنان می‌گذاشتیم، (یعنی فقط ویژه زنان بود) نافع گوید:
ابن عمر رضی الله عنهما بعد از این سخن از آن دروازه داخل نشد تا اینکه فوت نمود.

[باب: برای زنان رفتن به وسط و میان راه جایز نیست]

۹ - أبو أسید الأنصاری رضی الله عنه - در حالی که از مسجد بیرون می‌رفت و مردان با زنان
در راه با هم اختلاط می‌کردند و در هم می‌آمیختند - از رسول الله ﷺ شنید که به زنان
چنین فرمودند: «استأخرن فإنه لیس لکن أن تحقن الطریق، علیکم بحافات الطریق،
فكانت المرأة تلتصق بالجدار حتی إن ثوبها لیلعلق بالجدار من لصوقها به»^(۲).

ای زنان کنار روید که برای شما به وسط راه رفتن جایز نیست، بر شماست که از
کنار راه و جاده بروید، پس زن خود را به دیوار می‌چسباند تا اینکه لباسش به دیوار
می‌چسبید، چون به شدت خود را به دیوار می‌چسباند تا برود.

(۱) حسن أخرجه أبو داود.

(۲) حسن أخرجه أبو داود.

[باب: طواف کردن زنان بدون اختلاط و آمیزش با زنان]

۱۰ - عن ابن جريج قال أخبرني عطاء - إذ منع ابن هشام النساء الطواف مع الرجال - قال: كيف يمنعهن وقد طاف نساء النبي ﷺ مع الرجال؟ قلت: أبعدهن الحجاب أو قبل؟ قال: أي لعمرى لقد أدركته بعد الحجاب، قلت: كيف يخالطن الرجال؟ قال: لم يكن يخالطن، كانت عائشة رضي الله عنها تطوف حجرة من الرجال لا تخالطهم^(۱).

(عبدالملك) ابن هشام هنگام فرمانروائی خود طواف کردن زنان را با مردان منع کرد، گفت چگونه آنها را منع می کند در حالیکه زنان پیامبر ﷺ با مردان طواف می کردند، گفتم: این حادثه بعد از نزول حجاب (فرض شدن حجاب) بود (یعنی طواف کردن زنان با مردان)؟ گفت: ای والله من این را بعد از فرض شدن حجاب بر زنان) دیدم، گفتم: چگونه با مردان اختلاط می کردند؟ گفت: با مردان اختلاط نمی کردند، عایشه رضي الله عنها در حال طواف از یک کنار مردان رفته و طواف می کرد و با آنها اختلاط نمی کرد.

[باب: منع کردن مردان از داخل شدن به زنان نامحرم]

۱۱ - عقبه بن عامر رضي الله عنه از رسول الله ﷺ روایت می کند که فرمودند: «إياكم والدخول على النساء، فقال رجل من الأنصار: يا رسول الله أفرأيت الحو؟ قال: الحو الموت»^(۲).
وای بر شما که بر زنان داخل شوید - با زنان خلوت کنید - مردی از انصار گفت:
ای رسول الله ما را از دخول حمو با خبر کن؟ آنحضرت ﷺ فرمود: الحمو: الموت، یعنی مرگ است^(۳).

(۱) البخاري.

(۲) متفق عليه.

(۳) حمو: یعنی مردی از نزدیکان شوهر.

[باب: مجالس و کلاس درس مخصوص زنان در جای مستقل از مردان در وقت احتیاج به آن]

۱۲ - أبو هريره رضی الله عنه روایت می‌کند که زنانی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: «یا رسول الله ما نقدر عليك في مجلسك من الرجال، فواعدنا منك يوماً نأتیک، فقال: موعدکن بیت فلان، وأتاهن في ذلك اليوم ولذلك الموعد قال: فكان مما قال لهن يعني ما من امرأة تقدم ثلاثاً من الولد تحتسبهن إلا دخلت الجنة، فقالت امرأة منهن: أو اثنان قال: أو اثنان»^(۱).

ای رسول خدا نمی‌توانیم در مجالس مردان شرکت کنیم، پس برای ما یک روز وعده بگذار تا در آن روز نزد تو بیاییم (برای کلاس درس)، رسول الله صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند: وعده شما در خانه فلانی، و در همان روز در موعد گذاشته شده، آمد و از آنچه به زنان گفته بود این حدیث بود: هیچ زنی نیست که سه فرزند خود را از دست ندهد و اجر و پاداش را از خدا بخواهد، مگر اینکه به بهشت وارد می‌شود، زنی گفت: اگر دو فرزند باشد؟! فرمودند: اگر هم دو فرزند باشد.

یعنی خلوت کردن نزدیکان شوهر با زن مرگ آور است.

در داخل شدن برادر شوهر و امثال آنها بر زن هیچ شك و تردیدی نمی‌شود ولی رسول الله صلی الله علیه و آله از این نهی شدید کردند که این ممکن است باعث فتنه و فحشا گردد.

(۱) صحیح، أخرجه أحمد وابن حبان.

[باب: جنازه را مردان حمل میکنند نه زنان]

۱۳ - أبو سيعد الخدری رضی اللہ عنہ روایت می کند که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «إذا وضعت الجنازة واحتملها الرجال على أعناقهم فإن كانت صالحة قال: قدموني، وإن كانت غير صالحة قالت: يا ويلها أين يذهبون بها؟ يسمع صوتها كل شيء إلا الإنسان ولو سمعه لصعق»^(۱).

هنگامی که جنازه گذاشته می شود و مردان آنرا بر دوش خود حمل می کنند، اگر شخص صالح بود، می گوید: مرا بجلو ببرید، و اگر بدکار بود می گوید: وای بر او، او را به کنجا می برید، همه چیز صدای او را می شنوند مگر انسان و اگر انسان صدای او را بشنود بیهوش می شود.

[باب: منع کردن زنان از دخول به استخر شنا و مانند آن]

۱۴ - از أبو المليح الهذلی روایت است که بعضی از زنان شهر (حمص)^(۲) اجازه دخول به عایشه خواستند. عائشه گفت: ممکن است شما از کسانی باشید که به حمامهای عمومی (استخر شنا) داخل می شوند.

از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می فرمود: «أيا امرأة وضعت ثيابها في غير بيت زوجها فقد هتكت ستر ما بينها وبين الله»^(۳).

هر زنی لباس خود را در غیر از خانه شوهرش بیرون آورد او ستر و پرده بین خود و بین خدا را پاره کرده است.

(۱) البخاري.

(۲) حمص: در حال حاضر یکی از شهرهای کشور سوریه می باشد.

(۳) صحيح أخرجه الترمذي وابن ماجه.

[نهی کردن زن از اینکه برهنه خود را به زن دیگری بچسپاند. و اینکه زن برای شوهرش زنان دیگر را توصیف نماید]

۱۵ - عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا تبأشر المرأة المرأة فتنتعتها^(۱) لزوجها، كأنه ينظر إليها»^(۲).

نباید دو زن با جسمی برهنه به هم بچسبند، و آنرا برای شوهر خود توصیف ننمایند، چنانکه گویا شوهرش به طرف آن زن نگاه می‌کند.

[باب منع کردن زن از سخن در مقابل مردان نامحرم. مگر در وقت ضرورت]

۱۶ - أبو هريره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «التسبیح للرجال، والتصفیق للنساء»^(۳).

تسبیح گفتن برای مردان است، و دست به هم زدن برای زنان است. این موضوع در وقت نماز است که وقتی امام اشتباه کرد مردان می‌گویند: (سبحان الله) و زنان دو دست خود را به هم می‌زنند.

[باب: حرام بودن نیاحت و واویلا هنگام فوت کردن شخص. و جایز بودن گریه]

۱۷ - أم عطیه رضی الله عنها روایت می‌کند که: «أخذ علينا النبي صلی الله علیه و آله عند البيعة أن لا ننوح، فما

(۱) تبأشر: جلد و جسم او به جلد و جسم زن دیگر بدون لباس (برهنه) برسد.

تننتعتها: توصیف نماید.

(۲) البخاري.

(۳) متفق عليه.

وَفَتْ مَنَا امْرَأَةً غَيْرَ خَمْسِ نِسْوَةٍ»^(۱).

رسول الله ﷺ هنگام بیعت با او، عهد و پیمان بست که بر شخص مرده نیاحت^(۲) نکنیم، و بجز پنج زن بقیه به این عهد و پیمان وفا نکردند.

[باب: جایز بودن سلام مرد بر زن. و سلام زن بر مرد هنگامی که از فتنه ایمن باشد]

۱۸ - أسماء بنت ابی بکر رضی الله عنها روایت می کند که رسول الله ﷺ بر جمعی از زنان که در مسجد نشسته بودند عبور کرد و با دست خود بطرف ایشان اشاره به سلام نمود، و فرمود: «إياكن وكفران المنعمين، إياكن وكفران^(۳) المنعمين»^(۴).

بر حذر باشید از این که بر نعمت خدا کافر شوید، و آنرا دو بار تکرار نمودند.

[باب: جایز بودن سخن گفتن مردان با زنان. و زنان با مردان هنگام ضرورت بدون هیچ شک و تردید]

۱۹ - انس رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله ﷺ بر زنی که بر قبری ایستاده و گریه می کرد عبور کرد و فرمود: «اتقي الله واصبري»^(۵).
تقوا پیشه کرده صبر کن.

(۱) متفق علیه.

(۲) النياحة: گریه و زاری با صدای بلند، و آنچه بدان ملحق می شود از به سر و صورت خود زدن، و جامه خود را پاره کردن و موی خود را تراشیدن، و غیر از اینها.

(۳) كفران: المنعمين: این که زن درباره شوهرش بگوید: بخدا سوگند يك ساعت هم از او خیری ندیدم.

(۴) صحيح أخرجه أحمد وأبوداود، والترمذي والبخاري في الأدب المفرد.

(۵) متفق علیه.

[باب: جایز بودن اینکه زن خود را بر مرد صالح عرضه کرده و درخواست ازدواج با او کند]

۲۰ - أنس رضی الله عنه روایت می کند که: «جاءت امرأة إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم تعرض عليه نفسها، قالت: يا رسول الله ألك إلي حاجة؟ فقالت: بنت أنس: ما أقل حياءها واسوأها، قال: هي خير منك، رغبت في النبي صلى الله عليه وسلم فعرضت عليه نفسها»^(۱).

زنی آمد و خود را برای ازدواج با رسول الله عرضه نمود و گفت: آیا مرا برای ازدواج با خود می خواهی؟ دختر آنس گفت: وای بر من، چقدر این زن بی حیا است، آنس در جواب به دخترش گفت: این زن از تو بهتر است، او آرزوی ازدواج با پیامبر را داشت، و خود را به او عرضه نمود.

[باب: اینکه زن را نباید مجبور کرد با کسی که او را نمی خواهد به ازدواج در آورد. و اگر ولی و سرپرست او بطور اجبار او را با کسی که نمی خواهد به ازدواج بیرون آورد. ازدواج او باطل است]

۲۱ - عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که: «أنَّ جارية بكرة أتت النبي صلى الله عليه وسلم فذكرت أن أباهما زوجها وهي كارهة، فخيرها النبي صلى الله عليه وسلم»^(۲).

دختری باکره نزد رسول الله آمد و گفت که پدرش او را به ازدواج کسی در آورده که او را نمی خواهد و کراهت دارد، رسول الله او را به اختیار خودش گذاشت.

یعنی به او اختیار داد که اگر بخواهد نزد او بماند، وگرنه او را ترک کند.

(۱) البخاري.

(۲) صحيح أخرجه أبو داود وابن ماجه.

[باب: جایز نیست که زن هنگام ازدواج شرط بگذارد که بعد از مرگ شوهرش ازدواج نکند]

۲۲ - أم بشر گوید: «أنَّ النبي ﷺ خطب امرأة البراء بن معرور، فقالت: إني شرطت لزوجي أن لا أتزوج بعده، فقال النبي ﷺ: إنَّ هذا لا يصلح»^(۱).

رسول الله ﷺ از زن البراء بن معرور خواستگاری کرد، زن در جواب گفت: من با شوهرم شرط بسته ام که بعد از مرگ او با دیگری ازدواج نکنم، رسول الله ﷺ در جواب فرمود: این شرط جایز نیست.

[باب: حرام بودن اینکه زن از شوهرش بدون هیچ سبب طلاق یا خلع^(۲) بخواهد]

۲۳ - ثوبان ﷺ روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمودند: «أما امرأة سألت زوجها الطلاق في غير ما بأس، فحرام عليها رائحة الجنة»^(۳).

هر زنی که بدون هیچ سبب از شوهرش طلاق بخواهد بوی بهشت بر او حرام خواهد بود، یعنی بهشت را نخواهد دید.

[باب: جایز بودن سرود دخترهای کوچک و دپ زدن هنگام عروسی و مانند این و گوش کردن مردها به آن]

۲۴ - ربیع بنت معوذ روایت می کند که: «جاء النبي ﷺ يدخل حين بُني عليّ، فجلس على فراشي كمجلسك مني، فحعلت جویریات لنا يضربن بالدف ویندبن من قتل من

(۱) حسن أخرجه الطبراني في المعجم الكبير والصغير.

(۲) خلع: طلاق دادن زن با گرفتن مالی از او، یا بخشیدن کابین خودش.

(۳) صحیح رواه أصحاب السنن.

آبائی یوم بدر إذ قالت إحداهن: وفینا نبی یعلم ما فی غد، فقال: دعی هذه وقولي بالذي كنت تقولین»^(۱).

وقتی عروسی کردم پیامبر آمد و چنانکه تو نشستی نشست، و بعضی از دخترهای (کوچک) برایمان دف زده و از پدرانمان که در غزوه بدر کشته شده بودند مرثیه می گفتند، و یکی از آن دختران گفت: و در بین ما پیامبری است که آنچه فردا خواهد بود می داند، آنحضرت ﷺ فرمود: این جمله را بگذار و آنچه قبل از این می گفتمی بگو، مقصود انکار از (غیب دانستن پیامبر ﷺ می باشد).

[باب: اینکه حق شوهر بر همسر خود بسیار است]

۲۵ - از عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لو كنت امرأة أحداً أن يسجد لغير الله، لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها، والذي نفس محمد بيده لا تؤدي المرأة حق ربها حتى تؤدي حق زوجها، ولو سألتها نفسها وهي على قنب^(۲) لم تمنعه»^(۳).

اگر امر می کردم که شخصی برای غیر از خدا سجده کند، امر می کردم که زن برای شوهر خود سجده کند، سوگند به کسی که جانم در دست اوست، زن حق خدا را ادا نمی کند [یعنی از او قبول نمی شود] تا اینکه حق شوهرش را ادا نماید، اگر از زن خود چیزی بخواهد، گرچه بر زین شتری هم باشد او را اجابت کرده و امتناع نمی ورزد.

(۱) البخاري.

(۲) قنب: زینی که بر کوهان (سنام) شتر گذاشته میشود، کنایه بر این است که فوراً امر او را اجابت میکنند.

(۳) صحیح أخرجه أحمد وابن ماجه وابن حبان.

[باب: فرشتگان زنی که در شب فراش شوهرش را ترک می‌کند او را لعنت می‌کنند تا اینکه صبح کند]

۲۶ - أبوهریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «إذا باتت المرأة مهاجرة فراش زوجها، لعنتها الملائكة حتى ترجع»^(۱).
اگر زن فراش شوهرش را ترک کند، فرشتگان همچنان او را لعنت می‌کنند تا اینکه به فراشش باز گردد.

[باب: تحریم کفران العشیر (کفر ورزیدن به نعمتهای شوهر)]

۲۷ - عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أريت النار، فإذا أكثر أهلها النساء، يكفرن قيل: أيكفرن بالله؟ قال: يكفرن العشير، ويكفرن الإحسان، لو أحسنت إلى إحداهن الدهر ثم رأت منك شيئاً قالت: ما رأيت منك خيراً قط»^(۲).

آتش جهنم به من نشان داده شد، و دیدم که بیشترین أهل و مردمان آن زنها را تشکیل می‌دهند، چون کفر می‌ورزند، گفته شد: به خدا کفر می‌ورزند؟ فرمود: به شوهر خود کفر می‌ورزد، و به نیکیهای او کفر می‌ورزند، اگر به یکی از آنها یک دنیا نیکی و خوبی بکنی، و یک خطا و اشتباه و بدی از تو ببیند، می‌گوید: هرگز و هیچ خیری از تو ندیده‌ام.

(۱) متفق علیه.

(۲) متفق علیه.

**[باب: اگر شوهر همسر خود را به معصیت و گناهی دعوت نمود.
باید زن از آن گناه اجتناب ورزیده و دعوت او را قبول نکند]**

۲۸ - از عائشه رضی الله عنها روایت است که: «أَنَّ امْرَأَةً مِنَ الْأَنْصَارِ زَوَّجَتْ ابْنَتَهَا، فَتَمَعَطَ شَعْرَ رَأْسِهَا، فَجَاءَتْ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَذَكَرَتْ ذَلِكَ لَهُ، فَقَالَتْ: إِنَّ زَوْجَهَا أَمَرَنِي أَنْ أَصِلَ فِي شَعْرِهَا، فَقَالَ: لَا، إِنَّهُ قَدْ لَعَنَ الْمُوصِلَاتِ»^(۱)»^(۲).

زنی از انصار دخترش را به ازدواج یکی بیرون آورد، و موهای سرش افتاد، و به نزد پیامبر ﷺ آمد و جریان را به او عرض نمود، و گفت: شوهرش به من امر کرده که برای او موهای دیگری (باروکه) بیاورم، آنحضرت ﷺ فرمودند، خیر اینکار مکن، چون کسانی که مو را وصل می کنند، لعنت شده اند.

[باب: اینکه جایز نیست که زن از مال خود هدیه دهد مگر به اجازه شوهرش]

۲۹ - رسول الله ﷺ فرمودند: «لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَمْرٌ فِي مَالِهَا إِذَا مَلَكَ زَوْجُهَا عَصَمَتِهَا»^(۳).

جایز نیست که زن وقتی شوهر کرد از مال خود هدیه کند مگر با اجازه شوهرش^(۴).

(۱) موصلات: کسانی که مو را به موی دیگر می رسانند و متصل می کنند.

(۲) متفق علیه.

(۳) صحیح أخرجه أحمد والحاكم والنسائي وابن ماجه. وزاد: «إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا»، والنسائي بلفظ «هبة»، ولفظ: «عطية»، بدلاً من «أمر».

(۴) در کتاب (عون المعبود شرح سنن أبي داود ۹/ ۴۶۲-۴۶۳) در شرح حدیث بطور خلاصه چنین آمده:

[باب: خدمتکاری زن به شوهر و کسانی که شوهر سرپرستی آنها را به**عهده دارد]**

۳۰ - جابر بن عبدالله رضی الله عنه گوید: «هلك أبي وترك سبع بنات أو تسع، فتزوجت امرأة ثيباً فقال لي رسول الله ﷺ: تزوجت يا جابر؟ فقلت: نعم، فقال: بكرة أم ثيباً؟ قلت: بل ثيباً، قال: فهلا جارية تلاعبها وتلاعبك، وتضحكها وتضحكك؟ قال: فقلت له: إنَّ عبدالله هلك وترك بنات، وإني كرهت أن أجيئن بمثلهن، فتزوجت امرأة تقوم عليهن وتصلحهن، فقال: بارك الله لك، أو خيراً»^(۱).

پدرم فوت کرد و هفت یا نه دختر بجا گذاشت، و من با زنی ثیبه (بیوه) ازدواج کردم، رسول الله ﷺ به من گفت: ای جابر! آیا ازدواج کرده ای؟ گفتم: بلی، آنحضرت

مقصود از مال خود، چون عقل و خرد زنان کم است، ناقص العقل هستند، پس نباید در مال خود تصرف کند مگر با مشورت شوهر خود، آنهم از باب ادب و استحباب، پس اینجا نهی تنزهی است، نه تحریمی، این قول بعضی از علماءست.

علماء دیگر من جمله: اللیث بن سعد گفته اند: این بطور مطلق است، پس اگر هم زن رشید و عاقل باشد برایش جایز نیست که در مال خود تصرف کند نه در مقدار ثلث آن و نه هم کمتر مگر اینکه مال ناچیزی باشد طاووس و مالک گفته اند که: جایز است که به اندازه ثلث و کمتر از آن صدقه دهد، اما بیشتر از آن باید با اجازه شوهر باشد. و جمهور علماء گفته اند که: جایز است که بطور مطلق و قطعی در مال خود تصرف کند بدون اجازه شوهر در مال خود تصرف کند، اگر نادان و ناخرد نباشد، و گرنه جایز نیست.

و در حدیث دیگری آمده که رسول الله ﷺ وقتی برای زنان خطبه ویژه ای خواند فرمود: صدقه بدهید: زن گوشواره و انگشتر خود را می انداخت و بلال رضی الله عنه آنرا در جامه ی خود جمع می کرد، و این دلالت بر این دارد که بدون اجازه شوهر بوده است.

(۱) متفق علیه.

ﷺ فرمود: باکره یا ثیبه (با دختر و یا با زن)؟ گفتم با ثیبه، فرمود: آیا با دختری ازدواج نکردی که با او بازی کنی و او با تو بازی کند، و با او بخندی، و او با تو بخندد؟ جابر: به آنحضرت ﷺ گفتم: عبدالله (پدرم) فوت کرد و دخترها را بجا گذاشت، و کراهت داشتم که مانند آنها با دختری ازدواج کنم، پس با زنی ازدواج کردم تا سرپرستی آنها را به عهده بگیرد، رسول الله ﷺ فرمود: خدا به تو برکت دهد، یا فرمود: خوب کردی.

[باب: واجب بودن نفقه زن و فرزندان بر شوهر]

۳۱ - عائشه رضی الله عنها روایت می کند که: «أَنَّ هِنْدًا بِنْتَ عَتَبَةَ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَبَا سَفِيَانَ رَجُلٌ شَحِيحٌ، وَلَيْسَ يَعْطِينِي مَا يَكْفِينِي وَوَلَدِي إِلَّا مَا أَخَذْتُ مِنْهُ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ، فَقَالَ: خُذِي مَا يَكْفِيكَ وَوَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ»^(۱).

هند دختر عتبه گفت: ای رسول الله! اَبوسفیان مرد بخیلی است، و به من چیزی که کفایت خود و فرزندم باشد نمی دهد، مگر آنچه که من بدون علم او از او بگیرم، و او نداند. حضرت ﷺ فرمود: آنچه که برای خود و فرزندت کفایت کند بطور معروف (عدم اسراف) از او بگیر، (و مهم نیست که او نداد).

[باب: تحریم تغییر دادن خلق و آفریده خدا برای خوشگلی و زینت

و آرایش]

۳۲ - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: «لَعَنَ اللَّهُ الْوَاشِمَاتِ وَالْمُسْتَوْشِمَاتِ، وَالنَّامِصَاتِ وَالْمُتَمَصِّصَاتِ، وَالْمُتَفَلِّجَاتِ لِلْحَسَنِ الْمَعْيِرَاتِ خَلْقَ اللَّهِ، مَا لِي لَا أَلْعَنُ مِنْ لَعْنِ النَّبِيِّ ﷺ، وَهُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾»^(۲).

(۱) متفق علیه.

(۲) متفق علیه.

خداوند خالکوب و خالکوب کننده و نامص (باریک کردن ابرو، و کسیکه برای دیگری اینکار را انجام می‌دهد) و کسانی که بین دندانهای خود فاصله قرار می‌دهند، و می‌کشایند (برای زیبایی) و اینها همه از تغییر خلق و آفریده خداست، لعنت کرده است، پس چرا من کسانی که پیامبر آنها را لعنت کرده، لعنت نکنم، و آنها هم در کتاب خداست که می‌فرماید: آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و آنچه نهی کرده خوداری نمائید، و از (مخالفت) خدا بپرهیزید.

[باب: منع کردن زن از پوشیدن لباسهای تنگ که حجم جسم را نمایان می‌کند. و از لباسهای شفاف که جسم را آشکار می‌نماید. و از لباسهای کوتاه که تمامی جسم را نمی‌پوشاند. و از جمع کردن مو بر بالای سر (کاکل) و حرام بودن همه اینها]

۳۳ - أبوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سیاط كأذنان البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاریات میلات مائلات رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة، لا يدخلن الجنة ولا یجدن ریحها، وإن ریحها لیوجد من مسیره كذا وكذا»^(۱).

دو صنف از اهل آتش اند که آنها را ندیده ام، مردمانی هستند که تازیانه دارند مانند دم گاو، با آن به مردم می‌زنند، و زنانی هستند برهنه و عریان که لباسهای تنگ و شفاف و کوتاه بر تن می‌کنند، و از طاعت و فرمان خدا منحرف اند، و زنان دیگر را بطرف خود کشانده فاسد می‌کنند، و (موی) سرشان مانند سنام و کوهان شتر است که به اینطرف و آنطرف می‌رود، اینها به بهشت داخل نمی‌شوند، و بوی بهشت هم به

(۱) مسلم.

مشامشان نمی‌رسد، در حالیکه بوی بهشت از مسافت چنین و چنان به مشام می‌رسد^(۱).

[باب: نهي کردن زن از رساندن موهای غیر. و موهای جعلی آوردن و زیاد کردن مو با آن موهای دروغین و بیان اینکه این عمل از اخلاق یهودیان است]

۳۴ - سعید بن المسیب رضی الله عنه گوید: معاویه رضی الله عنه به مدینه آمد و خطبه خواند و کبه‌ای از مو بیرون آورد و گفت: فکر می‌کردم بجز یهود کسی دیگر اینکار را نمی‌کند، به رسول الله صلی الله علیه و آله این کار (رسیدن مو به موی سر زن) رسید، و آنرا جعلی و زور نامید. کبه: موی روی هم ریخته.

و در روایتی: «أن معاوية قال ذات يوم: إنکم قد أحدثتم زي سوء، وإن نبي الله صلی الله علیه و آله نهی عن الزور، قال: وجاء رجل بعصاً على رأسها خرقة، قال معاوية: ألا وهذا الزور، قال قتادة (الرواي عن سعید) يعني ما تكثر به النساء أشعارهن من الخرق»^(۲).
روزی معاویه رضی الله عنه گفت: بین شما لباسی بدی ظاهر شده و پدید آمده، پیامبر صلی الله علیه و آله از دروغ و باطل نهی کرده است، ابن المسیب گوید: در این حال مردی وارد شد و عصایی

(۱) در روایتی است که بوی بهشت از مسافت چهل سال به مشام می‌رسد.

کاسیات: زنی که لباسهای تنگ و شفاف و کوتاه می‌پوشد.

مانلات: از طاعت و فرمان خدا منحرف هستند.

ممیلات: غیر از خود زنان دیگر را بطرف خود و عمل خود میکشانند (و فاسد میکنند).

البخت: نوعی از شتر است که کوهان و سنام بزرگ دارد.

السنام: کوهان شتر.

(۲) مسلم.

داشت و بر سر و نوک عصا تکه پارچه ای بود، معاویه گفت: این همان زور و جعلی و دروغ و باطل است.

قتاده راوی حدیث از سعید بن المسیب گفت: یعنی آنچه زنان به موهای خود از تکه پارچه ها وصل می کنند.

[باب: نهی زنان در جعلی کردن لباس و تظاهر به آنچه به آنها داده

نشده]

۳۵ - از عائشه رضی الله عنها: «أَنَّ امْرَأَةً قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقُولُ إِنَّ زَوْجِي أَعْطَانِي مَا لَمْ يَعْطِنِي؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَتَشَبِعُ بِمَا لَمْ يَعْطِ كَلَابِسُ ثَوْبِي زُورًا»^(۱).

زنی به رسول الله ﷺ گفت: (به زن شوهرم می گویم) که شوهرم به من (این و آن) را داده، در حالیکه در حقیقت چیزی به من نداده، (کنایه از افتخار کردن مقابل زن شوهر)، رسول الله ﷺ فرمودند: تظاهر کننده به آنچه به او داده نشده مانند کسی است که لباس دروغین پوشیده^(۲).

(۱) متفق علیه.

(۲) در فتح الباری شرح صحیح البخاری ۹ / ۳۱۷-۳۱۸ آمده که: تظاهر کننده به آرایش و زینت به آنچه نزد او نیست، مانند زنی است که نزد مردی است، و این مرد زن دیگری دارد، پس این زن نزد زن دیگر ادعا و افتخار می کند من نزد شوهرم چنین و چنان هستم (کنایه از اینکه مرا بیشتر دوست دارد و به من چیزها می دهد) و نزد او مقام و منزلتی خیلی خوب دارم، می خواهد که زن دیگر را به خشم و غضب بیاورد.

وقول: (کلابس ثوبی الزور): مانند مردی است که لباس زاهدان و پارسایان و پرهیزکاران می پوشد، و به مردم نشان می دهد که از از جمله آنهاست، ولی در حقیقت امر چنین نیست.

و امام خطابی می گوید: مقصود از لباس مَثَل است، و معنای آن این که دروغگو است.

[باب پوشیدن زنان کفشهای بلند و بیان اینکه این عمل از کردار زنان یهود است]

۳۶ - أبو سعید الخدری رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «کانت امرأة من بني إسرائيل قصيرة تمشي مع امرأتين طويلتين فاتخذت رجلين من خشب، وحاتماً من ذهب مُغلق مُطبق ثم حشته مسكاً، وهو أطيب الطيب، فمرت بين امرأتين فلم يعرفوها، فقالت بيدها هكذا، ونفض شعبة (أحد الرواة) يده»^(۱).

زنی از زنان بنی اسرائیل کوتاه قد بود، و با دو زن بلند قد می‌رفت، این زن دو پای تخته‌ای و یک انگشتر از طلا که بسته بود برای خود گرفت و آنرا پر از عطر مشک نمود، و مشک از بهترین عطرهاست، پس بین آن دو زن بلند قد رفت و آنها او را نشناختند، و زن با دست خود بطرف آنها اشاره کرد^(۲).

[باب: نهي کردن زن از اینکه موی سر خود را در حج و غیر از حج بتراشد]

۳۷ - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «ليس على النساء الحلق، إنما على النساء التقصير»^(۳).

(۱) مسلم.

(۲) در شرح امام نووی بر صحیح مسلم ۹/۱۵ چنین آمده: حکم این عمل که زن انجام داد در شریعت اسلام اگر قصد و نیت او خوب باشد مانند اینکه پوشیدن خود را بخواهد تا اذیت و آزار نبیند، جایز است، اما اگر قصد افتخار و تکبر و تشبه به کسانی که کامل هستند و بلند قد می‌باشند را داشته باشد، و مردان را گول بزنند که او بلند قد است، این عمل حرام است.

(۳) حسن أخرجه أبو داود والدارقطني والطبراني وأخرجه الترمذي والنسائي من حديث علي رضی الله عنه.

بر زنان تراشیدن سر جایز نیست، بلکه بر آنها جایز است که موهای خود را کوتاه کنند.

[باب: رنگ کردن دستها و پاهای زن]

۳۸ - از عائشه رضی الله عنها روایت است که: «أومت امرأة من وراء ستر بيدها كتاب إلى رسول الله ﷺ فقبض النبي ﷺ يده، فقال: ما أدري أيد رجل أم يد امرأة قالت: بل امرأة، قال: لو كنت امرأة لغيرت أظفارها، يعني بالحناء»^(۱).

زنی با دست خود از پشت پرده و حجاب نامه‌ای را به رسول الله ﷺ داد، آنحضرت ﷺ دست خود را کشید، و آنرا نگرفت، و فرمود: نمی‌دانم این دست مردی است یا دست زن، زن گفت: بلکه دست زن است، آنحضرت ﷺ در جواب فرمود: اگر دست زن بود ناخنهای خود را با حنا تغییر می‌داد^(۲).

[باب: پوشاندن زن صورت خود را در حضور مردان نامحرم. ولی اگر مرد نامحرم نبود جایز است صورت خود را نمایان کند]

۳۹ - از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «لا تتقب المرأة المحرمة ولا تلبس القفازين»^(۳).

(۱) حسن أخرجه أبوداود والنسائي.

(۲) کنایه بر انکار آنحضرت ﷺ بر زن است که چرا ناخنهای خود را با حنا رنگ نکرده، چون آنحضرت ﷺ ندانست که این دست زن است یا دست مرد، به همین سبب دست خود را کشید و نامه را نگرفت که مبادا دست زن باشد، و او ﷺ با زنان دست نمی‌گیرد، و بیعت با دست نمی‌کند، بلکه بیعت او با زنان با سخن است.

(۳) البخاري.

زنی که در احرام است صورت خود را با نقاب و روبند نپوشاند، و همچنین دست کش دست نکند^(۱).

[باب: برای زن پوشیدن لباس حریر (أبریشم) و طلا جایز است]

۴۰ - از ابو موسی الأشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «حرم لباس الحریر والذهب علی ذکور أمتی، وأحل لئنائهم»^(۲).

پوشیدن لباس حریر و طلا برای مردان امت من حرام شده است، و برای زنان حلال است.

[باب: پوشیدن لباس معصر و مانند آن برای زنان مباح است]

۴۱ - عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت می کند که: «رأى النبي صلی الله علیه و آله علي ثوبين معصفرين فقال: أمك أمرتك بهذا؟ قلت: أغسلهما، قال: بل أحرقهما»^(۳).

پیامبر صلی الله علیه و آله دو لباس معصر^(۴) را بر تن من دید، و فرمود: مادرت بتو امر کرده که اینرا بپوشی؟ (یعنی این عمل را انکار کرد)، گفتم: آنرا می شویم؟ فرمود: بلکه آنرا بسوزان.

(۱) این در هنگام احرام و نبودن مرد نامحرم است، و اگر مرد نامحرم حضور داشته باشد بایستی زن صورت خود را بپوشاند، حال در لباس احرام باشد و یا خیر.

(۲) حسن صحیح أخرجه أحمد والترمذي والنسائي.

(۳) مسلم.

(۴) الثوب المعصر: لباسی که با عصفر رنگ شده است.

العصفر: گیاهی است که در زمین عرب است و با آن رنگ می کنند، و دو رنگ است سرخ و زرد.

أمك أمرتك: امام نووی گوید: معنای این جمله این است که: این لباس زنانه است.

[باب: بر حذر داشتن زنان از نمایان کردن زینت و آرایش خود برای مردان نامحرم. طلا و لباسی که با رنگ (معصفر) سرخ و زرد و مانند آن باشد]

۴۲ - از أبوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر فرمودند: «ویل للنساء من الأحرین الذهب والمعصفر»^(۱).

وای بر زنانی (که دو چیز سرخ را برای مردان اجانب و نامحرم نمایان می‌کنند) طلا و لباس سرخ رنگ خود را.

[باب حرام بودن تشبیه زن با مردان در لباس و حرکت و سخن و مانند اینها]

۴۳ - عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که: «لعن رسول الله صلی الله علیه و آله المتشبهین من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال»^(۲).

پیامبر صلی الله علیه و آله زنانی که خود را به مردان همانند می‌کنند، و مردانی که خود را به زنان همانند می‌کنند لعنت فرموده است.

والحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات، وصلى الله على محمد وآله وصحبه وسلّم

برای ارتباط با مترجم می‌توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودیة؛ الرياض - الرمز البريدي: (۱۱۷۵۷) ص. پ:

(۱۵۰۱۰۳)

(۱) إسناده جيد، أخرجه ابن حبان والبيهقي في شعب الإيمان.

(۲) البخاري.